





Social Welfare in Urban and Rural Areas of the Provinces on the 6-Th Development Plan

Mohammad Hossein Amjadi¹  | Marziyeh Enhesari² 1. Corresponding Author, Ph.D. in Economic, University of Shahid Bahonar, Kerman.Iran. Email: mhamjadi@gmail.com2. M.S. Math ematics, Sistan & Bluchestan University. Sistan & Baluchestan Iran. Email: m.enhesari90@gmail.com

Article Info**ABSTRACT****Article type:**

Research Article

Article history:

Received: 8 October , 2022

Received in revised form:30 March 2023

Accepted: 8 April 2023

Published online: 10 June 2023

Keywords:

Inequality, Gini Coefficient, Sen Social Welfare Index, 6-th Development Plan, Urban And Rural Areas.

The present study seeks to answer the question that due to the differences in GDP, population level, benefit of growth infrastructure and other factors affecting regional and geographical imbalances, which of the provinces has a higher degree of welfare? And which have a lower level of well-being? The scientific answer to this question can scientifically provide a suitable policy model in the field of allocation and distribution of resources, facilities and opportunities for public sector policymakers to eliminate the imbalances created. In this study, using the household income-expenditure data of the Statistics Center during the Sixth Development Plan (from 2016 to 2022), the trend of changes in the indicators of real average cost, Gini coefficient and finally social welfare of urban and rural households is examined and analyzed. . According to the results, the real cost of urban and rural households in the country has decreased during the period under review. Also in the same period, the Gini coefficient of urban and rural households has increased, which indicates that the income distribution situation is deteriorating. Then social welfare was calculated based on age index for urban and rural areas of the country and provinces. Accordingly, the social welfare index of age has also decreased significantly during this period. Emphasis on developing a comprehensive poverty reduction plan instead of island programs, focusing on macro-growth policies along with empowerment, controlling inflation, creating productive employment, improving the business environment and skills training are some of the proposed solutions to reduce inequality and Promoting welfare should be on the agenda of policymakers and managers .

Cite this article: Amjadi, M.H.& Enhesari, M. (2023). Social Welfare in Urban and Rural Areas of the *Journal of Social Problems of Iran*, 13 (2),191-207.<https://doi.org/10.22059/ijsp.2023.92832>

© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/ijsp.2023.92832>

بررسی وضعیت رفاه اجتماعی در مناطق شهری و روستایی استان های کشور در برنامه ششم توسعه

محمدحسین امجدی^۱ | مرضیه انحصاری^۲

۱. نویسنده مسئول؛ دکتری گروه اقتصاد دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران. رایانامه: mhamjadi@gmail.com

۲. کارشناس ارشد ریاضی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران. رایانامه: m.enhasari90@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که با توجه به متفاوت بودن تولید ناخالص داخلی، سطح جمعیت، بهره مندی از زیرساخت های رشد و سایر عوامل تاثیرگذار بر عدم تعادل های منطقه ای و جغرافیایی، کدامیک از استان های کشور دارای درجه رفاهی بالاتری می باشند و کدامیک سطح رفاهی کمتری دارند؟ پاسخ به این سوال می تواند از نظر علمی الگوی سیاستگذاری مناسبی در زمینه تخصیص و توزیع منابع، امکانات و فرصت ها در اختیار سیاستگذاران بخش عمومی کشور برای رفع عدم تعادل های ایجاد شده قرار دهد. در این پژوهش با استفاده از داده های درآمد- هزینه خانوار مرکز آمار طی سال های برنامه ششم توسعه (از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰) روند تغییرات شاخص های متوسط هزینه واقعی، ضریب جینی و نهایتاً رفاه اجتماعی خانوارهای شهری و روستایی مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. بر اساس نتایج، هزینه واقعی خانوار شهری و روستایی کشور طی دوره مورد بررسی کاهش یافته است. همچنین در همین دوره، ضریب جینی خانوار شهری و روستایی نیز افزایش پیدا کرده که حکایت از بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد دارد. در ادامه رفاه اجتماعی بر اساس شاخص سن برای مناطق شهری و روستایی کشور و استان ها محاسبه گردید. بر این اساس شاخص رفاه اجتماعی سن نیز طی این مدت کاهش قابل ملاحظه ای داشته است. بر این اساس تأکید بر تدوین برنامه جامع کاهش فقر به جای برنامه های جزیره ای با اولویت مناطق مرزی، تمرکز بر سیاست های کلان رشدگرا در کنار توانمندسازی، کنترل تورم، ایجاد اشتغال مولد، بهبود فضای کسب و کار و مهارت آموزی از جمله راهکارهای پیشنهادی است که به منظور کاهش نابرابری و ارتقای رفاه می بایست در دستور کار سیاستگذاران و مدیران قرار گیرد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۶	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۱/۱۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۹	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰	
کلیدواژه‌ها: نابرابری، ضریب جینی، شاخص رفاه اجتماعی سن، برنامه ششم توسعه، مناطق شهری و روستایی.	

استناد: امجدی، محمدحسین. و انحصاری، مرضیه.. (۱۴۰۱). بررسی وضعیت رفاه اجتماعی در مناطق شهری و روستایی استان های کشور بررسی مسائل اجتماعی

ایران، ۱۳(۱)، ۱۹۱-۲۰۷. <https://doi.org/10.22059/ijsp.2023.92832>



DOI: <https://doi.org/10.22059/ijsp.2023.92832>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

۱. مقدمه و بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین هدف‌های هر جامعه‌ای، افزایش رفاه اقتصادی است که توزیع عادلانه درآمد یک بعد مهم آن را شامل می‌شود. بسیاری از کشورهای جهان سوم که در دهه ۱۹۶۰ در مقایسه با پیشینه تاریخی، نرخ‌های رشد زیادی را تجربه کرده بودند، به تدریج دریافته‌اند که چنین رشدی فایده بسیار کمی برای مردم فقیرشان داشته و تضاد طبقاتی در کشورشان افزایش پیدا کرده است (عربی و خداپرست مشهدی، ۱۳۹۳: ۳۶). تلاش‌های زیادی برای حل این مشکل انجام گرفته و در این راستا روش‌های مختلفی به صورت نظری و عملی استفاده شده است. بنابر برخی از نظریه‌های اقتصادی، توزیع نابرابر درآمد یکی از شرط‌های اصلی رشد اقتصادی بوده و دلیلشان هم این است که نیازهای قشر ضعیف اجتماع اشباع شدنی نیست و چنانچه توزیع درآمد برابر باشد، قشر کم درآمد تمامی درآمد خود را صرف خرید کالا می‌کنند، در صورتی که قشر مرفه نیازهای اولیه خود را برطرف کرده و مازاد درآمدشان را پس انداز می‌کنند. چنانچه توزیع درآمد نابرابر باشد، رشد اقتصادی تسریع می‌شود؛ اما مخالفان این نظریه می‌گویند که تجربه در کشورهای توسعه نیافته نشان داده است که ثروتمندان این جوامع اضافه درآمد خود را به جای پس انداز کردن، صرف خرید کالاهای تجملاتی و لوکس می‌کنند. درآمد کم فقیران باعث ضعف جسمانی و کاهش بهره‌وری کاری ایشان می‌شود و این خود باعث کاهش میزان تولید و در نتیجه کاهش درآمد ملی می‌شود. همچنین افزایش درآمد تهیدستان باعث افزایش تقاضا برای کالاهای ضروری ساخت داخل شده که این امر به نوبه خود باعث افزایش اشتغال و تولید می‌شود و توزیع برابر درآمد باعث افزایش انگیزه‌های روانی مردم برای مشارکت در توسعه اقتصادی می‌شود. امروزه بهبود در توزیع درآمد، مبارزه با فقر و افزایش رفاه جزء هدف‌های عمده استراتژی توسعه اقتصادی و اجتماعی و از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها محسوب می‌شود (تودارو، ۱۳۸۴: ۳۸).

وجود نابرابری‌های گسترده در توزیع درآمد به بروز فقر و افزایش آن و ایجاد شکاف بیشتر در طبقات جامعه منجر می‌شود. پدیده نابرابری درآمد نه تنها از دلایل عمده فقر است بلکه از عوامل کاهنده رشد اقتصادی نیز محسوب می‌گردد. از این رو، بهبود توزیع درآمد یکی از مهم‌ترین اهداف و دغدغه‌های سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و بودجه‌ریزان کشور است که به این مهم در ماده ۳ قانون برنامه ششم توسعه کشور که هدف دستیابی به ضریب جینی ۰,۳۴ در سال پایانی برنامه است، اشاره شده است. همچنین، «کاهش خانوارهای مواجه با هزینه‌های کمرشکن»، «مشارکت عادلانه در تأمین منابع مالی» و «پایداری منابع» به عنوان اهداف اساسی در حوزه «توزیع درآمد» در قانون برنامه ششم توسعه کشور مد نظر قرار گرفته است (برگرفته از قانون برنامه ششم توسعه، ۱۳۹۵).

نخستین گام در مسیر برنامه ریزی کاهش نابرابری و توزیع عادلانه درآمد، شناخت صحیح و آگاهی از وضعیت نابرابری است. اندازه‌گیری و شناخت نابرابری از جنبه بررسی چگونگی تغییرات شدت نابرابری در زمان‌ها و مکان‌های مختلف از اهمیت خاصی برخوردار است. آگاهی از چگونگی وضعیت نابرابری در کشور و همچنین استان‌های مختلف از اولویت‌های مهم به منظور سیاست‌گذاری‌های لازم در زمینه توسعه در جهات مختلف است. بررسی و مطالعه میزان نابرابری و رفاه اجتماعی در سطح استان و همچنین به تفکیک مناطق می‌تواند زمینه‌ساز مناسبی برای سیاست‌گذاری به منظور تدوین برنامه‌های کاهش نابرابری، منطبق با شرایط همان منطقه در زمینه توسعه باشد.

ایران کشور پهناوری است و به دلیل برخی از مواهب جغرافیایی و منطقه‌ای برخی از استان‌ها به عنوان مناطق توسعه یافته‌تر شناخته می‌شوند؛ به عبارتی متوسط درآمد و هزینه خانوار برخی استان‌ها بسیار زیاد و برخی اندک است. از طرفی الگوی سیاستی و تابع رفاه اجتماعی کشور به گونه‌ای بوده که برخی استان‌ها از نظر زیرساخت‌های لازم برای رشد، بهره‌مندتر از سایر استان‌ها می‌باشند. از این رو، توسعه و زیرساخت‌های آن در نواحی جغرافیایی کشور، تفاوت شدیدی را در روند توسعه مناطق آشکار کرده است و

از آنجایی که اهداف کلی برنامه ریزی منطقه ای یا توسعه اقتصادی، برقراری رفاه اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت در بین مردم جامعه است، برای دستیابی به هدف های فوق در هر جامعه ای نیاز به شناخت میزان نابرابری درآمد و میزان رفاه اجتماعی ضروری است. نقطه شروع توجه به توسعه، می تواند شناخت میزان نابرابری درآمد و رفاه آن ها با استفاده از روش های مختلف اندازه گیری سطح رفاه باشد. بنابراین سوال این است که با توجه به متفاوت بودن تولید ناخالص داخلی، سطح جمعیت، بهره مندی از زیرساخت های رشد و سایر عوامل تاثیرگذار بر عدم تعادل های منطقه ای و جغرافیایی، نقاط شهری و روستایی کدامیک از استان های کشور دارای درجه رفاهی بالاتری می باشند و کدامیک سطح رفاهی کمتری دارند؟ پاسخ علمی به این سوال می تواند از نظر علمی الگوی سیاستگذاری مناسبی در زمینه تخصیص و توزیع منابع، امکانات و فرصت ها در اختیار سیاستگذاران بخش عمومی کشور برای رفع عدم تعادل های ایجاد شده قرار دهد.

۲. مبانی و چارچوب نظری

رفاه اجتماعی^۱ عبارت است از مجموعه ی سازمان یافته ای از قوانین، مقررات، برنامه ها و سیاست هایی که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می شود تا زمینه ی رشد و تعالی او را فراهم آورد (شهیکی تاش و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶). رفاه بیانگر قدرت خرید و توانایی در کسب تسهیلات و امکانات زندگی است (فیتزپتریک^۲، ۱۳۸۱: ۲۶). به اعتقاد تیلور (۲۰۰۷) بسیاری از نظریه پردازان اجتماعی و سیاسی آگاهند که رفاه اجتماعی از عوامل به هم مرتبط فراوانی تشکیل می شود. بی شک رفاه چیزی بیش از انباشت ثروت مادی است؛ و شادمانی و رضایت از زندگی و امید به داشتن زندگی بهتر در آینده را نیز دربرمی گیرد. بنابراین، احساس سلامت، امنیت، آرامش و اطمینان بیشتر افراد جامعه نیز از ویژگی های مهم رفاه اجتماعی است (هستون و استرب^۳، ۲۰۰۱).

بعد از عنوان شدن طرح کاهش فقر در جهان، چگونگی توزیع درآمد بیشتر از قبل مورد توجه قرار گرفت، زیرا در دنیای امروز بزرگترین عامل ایجاد کننده فقر نه کمبود درآمد بلکه توزیع ناعادلانه آن است. در تعریف عامیانه توزیع عادلانه و ناعادلانه درآمد می توان گفت: "در صورتی که یک فرد در جامعه تمامی درآمد را در اختیار داشته باشد توزیع درآمد ناعادلانه ترین وضع ممکن است و زمانی که تمامی افراد به یک نسبت از کل درآمد جامعه بهره مند شوند عادلانه ترین حالت وجود دارد." امروزه سخن مطرح شده در جهان یکسان بودن سهم تمامی گروه ها از درآمد کشور نیست بلکه مساله مهم توزیع عادلانه بر مبنای توانایی های افراد مختلف است که می تواند به ایجاد توازن و تعادل بیشتر در جامعه بیانجامد. بر اساس گزارش بانک جهانی (۲۰۱۸) از آغاز هزاره جدید گام های مهمی در کاهش فقر و احیای رشد برداشته شده است اما در بسیاری از کشورها دغدغه و نگرانی ها در مورد رفاه همچنان پابرجاست به طوریکه فقر شدید در قاره آفریقا در حال افزایش است و نیجریه پایتخت فقر جهان است. آدبووال و چاکس^۴ (۲۰۲۰) معتقدند باوجود اینکه اکثر کشورهای این منطقه یکی از سریع ترین رشد تولید ناخالص داخلی جهان را در دوران اخیر ثبت کرده اند، این وضعیت نشان می دهد که افزایش رشد لزوماً به معنای بهبود رفاه نیست.

1 Social Welfare

2 Fitzpatrick

3 Hewstone & strobe

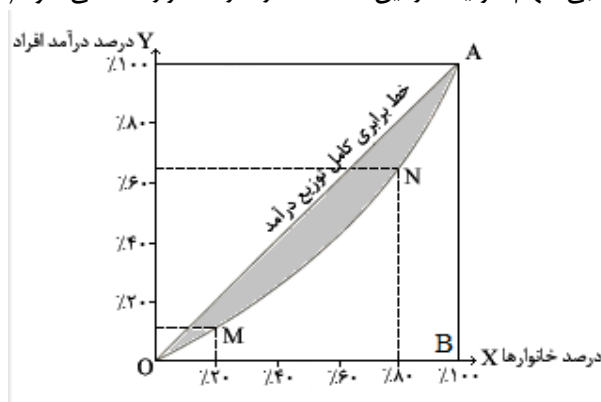
4 Adebawale & Chuks

رفاه اجتماعی می‌تواند به عنوان یکی از مهمترین اهداف برنامه ریزی، معیاری برای سنجش شرایط توسعه یک کشور باشد که آیا مناطق مختلف دارای رشد متعادلی هستند یا خیر؟ طبق موازین علمی تقسیم درآمد در یک کشور باید به نحوی باشد که سهم بیشتری از مردم در طبقه متوسط جای بگیرند. در یک جامعه متعادل شمار ثروتمندان و فقیران در کشور بسیار کم است زیرا وجود گروه‌های بسیار پردرآمد یا بسیار کم درآمد نشان دهنده توزیع نامتناسب درآمد در آن منطقه است. برای محاسبه میزان برابری در توزیع درآمد از سهم درآمدی که هر یک از گروه‌های جامعه بدست می‌آورند استفاده می‌شود. اگر فاصله بین درآمدی که ده درصد پایینترین گروه جامعه بدست می‌آورند با درآمد ده درصد از بالاترین افراد، تفاوت زیادی داشته باشد نشان دهنده توزیع ناعادلانه درآمد در یک سرزمین است.

۲-۱. شاخص‌های نابرابری

توزیع عادلانه درآمد همواره از مهمترین مباحث در اقتصاد کشورهای مختلف جهان است. شاخص‌های نابرابری، معیاری برای ارزیابی عملکرد اقتصادی کشورها در خصوص توزیع درآمد محسوب می‌شود. ضریب جینی^۱ مشهورترین شاخص نابرابری توزیع درآمد و متداول‌ترین آن‌ها از نظر استفاده در بررسی توزیع درآمد است و ارتباط تنگاتنگی با منحنی لورنز^۲ دارد. ضریب جینی در تابع رفاه اجتماعی نقش تأثیرات اندازه نابرابری در جامعه را بر رفاه اجتماعی اندازه‌گیری می‌کند (کاکوانی و سان^۳، ۲۰۱۵). از همین رو این شاخص بیش‌تر از هر شاخص دیگری در معرض پذیرش و رد قرار گرفته و محتوا و ویژگی‌های مثبت و منفی آن بررسی و مطرح شده است. ابتدا ماکس لورنز^۴ مفهوم منحنی لورنز را طرح نمود و درست چند سال بعد یعنی در سال ۱۹۱۴ کورادو جینی^۵ آماردان ایتالیایی مفهوم ضریب جینی را مطرح کرد. با این حال به کارگیری این مفاهیم در ادبیات مربوط به فقر و نابرابری درآمدی توسط اقتصاددانان آمریکایی تونی اتکینسون^۶ در اوایل دهه ۱۹۷۰ صورت گرفته است.

برای ترسیم منحنی لورنز بر روی محور افقی فراوانی تجمعی نسبی گروه‌های جمعیتی (مثلاً دهک‌های جمعیتی) و بر روی محور عمودی نیز فراوانی تجمعی نسبی سهم هر یک از این دهک‌ها از درآمد قرار داده می‌شود (نمودار ۱).



نمودار ۱- منحنی لورنز

- 1 Gini Coefficient
- 2 Lorenz Curve
- 3 Kakwani, & Son
- 4 Lorenz
- 5 Gini C
- 6 Atkinson T

خط OA ، خط ۴۵ درجه است که نمایش هندسی خط برابری کامل توزیع درآمد را نشان می دهد. به عبارت دیگر در این حالت تمام افراد در اقتصاد سهم یکسانی از درآمد خواهند داشت. اما حالت واقعی تر زمانی است که منحنی لورنز به سمت محور افقی تحدب پیدا می کند. ضریب جینی نیز به کمک همین منحنی استخراج می شود. ضریب جینی نسبت مساحت قسمت تیره به مساحت مثلث OAB است. با توجه به رابطه فوق، ضریب جینی عددی بین ۰ و ۱ اختیار می کند که صفر به معنای برابری کامل و ضریب جینی ۱ نیز به معنای نابرابری کامل خواهد بود. به عبارت دیگر هر چه ضریب جینی به عدد ۱ نزدیک تر باشد به معنای آن است که توزیع درآمد در آن اقتصاد نابرابرتر است.

چون بیشتر یا کمتر شدن ضریب جینی به تنهایی نمی تواند وضعیت توزیع درآمد در جامعه را نشان دهد، بنابراین برای محاسبه میزان برابری در توزیع درآمد، سهم درآمدی هر یک از گروه های جامعه نیز محاسبه می شود. اگر فاصله بین درآمدی که ده، بیست و چهل درصد پایین ترین گروه جامعه با درآمد ده، بیست و چهل درصد از پردرآمدترین افراد، تفاوت زیادی داشته باشد نشان دهنده توزیع ناعادلانه درآمد در یک سرزمین است. در حوزه توزیع درآمد شاخص های دیگری همچون شاخل تایل^۱، اتکینسون^۲ و پالما^۳ نیز برای تبیین بهتر وضعیت پردرآمدها و کم درآمدها وجود دارد که در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۲. شاخص رفاه اجتماعی سن (Sen)

به منظور کمی و محاسبه پذیر شدن، رفاه را مترادف با بهره مندی یا مطلوبیت در نظر می گیرند. بر این اساس، رفاه اجتماعی که در قالب تابع رفاه اجتماعی نمایش داده می شود، برابر با مجموعه رفاه افراد جامعه خواهد بود. در ادبیات توابع رفاه اجتماعی، معیارهای متنوعی مطرح شده است. یکی از توابع معروف در این زمینه، تابع رفاه اجتماعی سن^۴ است. این تابع نیز همانند اکثر توابع موجود، به صورت تابعی از مطلوبیت های افراد جامعه است که در آن میزان رفاه $S(X)$ تابعی از مطلوبیت برای هر فرد (x_i) متعلق به جامعه (X) است:

$$S(X) : S(u(x_1), u(x_2), \dots, u(x_n))$$

که در آن n تعداد افراد جامعه است. با فرض یکسان بودن تابع مطلوبیت کلیه افراد جامعه، رابطه قبلی را می توان به صورت رابطه زیر نشان داد. به این ترتیب تابع رفاه اجتماعی برابر با مجموع مطلوبیت های افراد جامعه خواهد بود:

$$S(X) = \int_1^n u(x) dx$$

سن شاخص رفاه اجتماعی خود را به شکلی دیگر نیز نشان داده است:

$$S(X) = \sum_{i=1}^n x_i v_i(x)$$

که در آن x_i درآمد فرد i ام و $v_i(x)$ وزنی است که x_i به خود می گیرد. وی با فرض برابری وزنی و یکنواختی مستقل و اطلاعات رتبه ای، شاخص خود را به صورت رابطه زیر نشان می دهد:

$$S = \bar{y}(1 - G)$$

1 Theil Index
2 Atkinson Index
3 Palma Index
4 Sen

که در آن S شاخص سن و G ضریب جینی و \bar{Y} میانگین درآمد است. ضریب جینی در تابع رفاه اجتماعی نقش تأثیرات اندازه نابرابری در جامعه را بر رفاه اجتماعی اندازه گیری می کند. در هر حال، شاخص سن یکی از بهترین ابزارهای اندازه گیری رفاه بوده که در بسیاری از مطالعات مرتبط به کار رفته است. با وجود مهم بودن بررسی وضعیت رفاهی خانوارها، این بررسی ها را می توان یاری رسان سیاست های اقتصادی دانست.

۳. پیشینه پژوهش

مالکینا^۱ (۲۰۱۷) در مقاله خود با استفاده شاخص سن، رفاه اجتماعی در روسیه را طی دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج نشان می دهد نابرابری منطقه ای در رفاه در ۱۱ سال گذشته حدود ۴۳ درصد کاهش یافته است. شهیکی تاش و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله خود برای ارزیابی شدت عدم تعادل فضایی رفاه اجتماعی در استان‌های ایران، از شاخص رفاه آمارتیا سن و کشش تابع رفاه اجتماعی در سال ۱۳۹۰ استفاده کرده اند. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که بیشترین سطح رفاه سرانه در استان‌های ایران مربوط به استان‌های تهران، بوشهر و مرکزی بوده و کمترین سطح رفاه مربوط به استان سیستان و بلوچستان می باشد. از این رو در راستای متعادل و متوازن ساختن توسعه مناطق مختلف، رویکرد مبتنی بر توسعه همه جانبه بر مبنای قابلیت‌ها، مزیت‌های نسبی، توانمندی‌ها و محدودیت‌های منطقه‌ای ضروری به نظر می رسد. یعنی آنکه می باید الگوی توسعه مبتنی بر آمایش سرزمین با استناد بر توازن منطقه‌ای و افزایش استانداردهای رفاهی دنبال شود. نویسندگان پیشنهاد می کنند دولت با اتخاذ سیاست‌های بازتوزیعی مناسب، وضعیت نابرابری در درون استان‌ها و در بین استان‌های مختلف را بهبود بخشد، در این راستا از جمله سیاست‌ها، اصلاح سیستم مالیاتی کشور است. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله ای با استفاده از ریزداده‌های طرح هزینه-درآمد خانوار، نابرابری درآمدی را میان استان‌های ایران به تفکیک مناطق شهری و روستایی، طی اجرای پنج برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اندازه گیری کرده اند. بر اساس نتایج، شاخص‌های نابرابری طی دوره ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۴ بطور نوسانی تغییر کرده اند اما بطور کلی دارای روند نزولی هستند که حکایت از بهبود توزیع درآمد در هر دو جامعه شهری و روستایی دارد. همچنین در حالی که برنامه دوم توسعه توفیق کمتری در کاهش شاخص‌های نابرابری داشته، برنامه پنجم توسعه موفق ترین برنامه در این زمینه بوده است. محاسبه شاخص رفاه سن نشان می دهد که در دوره دهه ساله اخیر، پایین بودن شاخص‌های نابرابری منجر به افزایش رفاه خانوارها نشده است. دلیل آن تغییرات شاخص بهای کالا و خدمات شهری و روستایی و رشد منفی متوسط هزینه‌های خانوار بدلیل تحمیل هزینه‌های سنگین بر اقتصاد کشور است که متأسفانه آثار آن در وضعیت رفاه خانوارهای شهری و روستایی نمود پیدا کرده و موجب فقیرتر شدن بخش بیشتری از مردم جامعه شده است. از این رو در تفسیر ضرایب نابرابری باید با در نظر گرفتن تمامی جوانب اقدام به تصمیم گیری و سیاست گذاری در مورد آن نمود. مهدویان و اسفندیاری (۱۳۹۷) در پژوهش خود ضمن محاسبه شاخص های نابرابری توزیع درآمد مناطق روستایی استان های ایران طی سال های ۹۴-۱۳۸۵ پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می دهد که شاخص‌های توزیع درآمد پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها کاهش یافته، ولیکن با گذر زمان مجدداً روندی افزایشی را آغاز نموده است که خود دلیلی بر عدم موفقیت سیاست پرداخت نقدی یارانه‌ها در برقراری عدالت اجتماعی و توزیعی اقشار آسیب پذیر جامعه است. علیزاده و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله خود به شناسایی و تعیین عوامل مؤثر بر شاخص رفاه اجتماعی سن در اقتصاد ایران و با استفاده از رویکرد میانگین گیری بیزین بر اساس داده‌های سری زمانی از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۷ و در شرایط ناطمینانی مدل پرداخته اند که با انجام محاسبات حاصل از

برآورد ۲۶۰ هزار رگرسیون، تعداد ۸ متغیر به‌عنوان متغیرهای قوی و غیرشکننده مشخص شدند؛ که شامل متغیرهای (نرخ ارز، شاخص فلاکت، درآمدهای مالیاتی، درآمدهای نفتی) با علامت منفی و متغیرهای (نرخ رشد شهرنشینی، درجه باز بودن اقتصاد، شاخص‌های سلامت و فناوری اطلاعات و ارتباطات) با علامت مثبت می‌باشد.

۴. روش‌شناسی و داده‌های تحقیق

در این مقاله با استفاده از روش اسنادی و به‌کارگیری داده‌های درآمد- هزینه خانوار مرکز آمار طی سال‌های برنامه ششم (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰) یعنی از سال ۱۳۹۵ (به‌عنوان سال مبنا) تا ۱۴۰۰ روند تغییرات شاخص‌های متوسط هزینه واقعی، ضریب جینی و نهایتاً رفاه اجتماعی خانوارهای شهری و روستایی کشور و استان‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. ذکر این نکته ضروری است که با توجه به تعاریف و شاخص‌های ارائه شده از نابرابری و رفاه، در این مقاله به بررسی بعد مادی آن‌ها پرداخته می‌شود و بعد اجتماعی و بعد فرهنگی نابرابری که جامعه‌شناسان مطرح می‌کنند، مد نظر نیست. برای این منظور ابتدا باید متغیری که منعکس‌کننده دسترسی خانوار یا فرد به منابع است، را تعریف کرد. برای این منظور می‌توان از درآمد و یا هزینه مصرفی خانوار استفاده کرد. اما به دلایلی چند استفاده از هزینه مصرفی بر درآمد ارجح است. از جمله این دلایل می‌توان به دو مورد زیر اشاره کرد:

الف- خانوارها معمولاً درآمد خود را دقیق اعلام نمی‌کنند، درحالی که از حاصل جمع پولی خرید کالاهای مختلف خانوار (هزینه‌های مصرفی)، می‌توان به تقریب خوبی از درآمد واقعی خانوار رسید. علاوه بر این در مناطق روستایی، خانوارها از محل تولید خود نیز مصرف می‌نمایند و یا مبادله کالا به کالا انجام می‌دهند و این مساله در درآمد فرد منعکس نمی‌شود. البته تخمین مصرف و مقدار پولی تمام کالاهای مصرفی خانوار نیز دشوار است، اما در صورت تخمین مناسب، هزینه‌های مصرفی، متغیر بهتری نسبت به درآمد است.

ب- هزینه‌های مصرفی دارای نوسانات کمتری نسبت به درآمد است. به‌عنوان مثال افرادی چون کشاورزان در مناطق روستایی در همه فصول سال درآمد ندارند، اما برای سپری کردن زندگی همیشه مجبور به مصرف هستند.

از این جهت است که در غالب مطالعاتی که در زمینه فقر و نابرابری صورت می‌گیرد از هزینه فرد یا خانوار به‌عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری منابع در اختیار استفاده می‌شود. در این مطالعه نیز هزینه خانوار متغیری است که برای سنجش رفاه خانوار مدنظر قرار گرفته است.

۵. یافته‌ها

۵-۱. متوسط هزینه واقعی خانوارها

هزینه خانوار شامل کلیه هزینه‌های مصرفی خوراکی و غیر خوراکی خانوار می‌باشد. هزینه به‌قیمت ثابت، معمولاً سطح زندگی و رفاه خانوار را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه هزینه‌ها به‌عنوان متغیر جانشین درآمد در نظر گرفته شده است بنابراین اگر هزینه فرد به‌قیمت ثابت در طول سال‌های مختلف افزایش یابد یعنی فرد از کالاها و خدمات بیشتری استفاده کرده و رفاه وی افزایش یافته است. بر این اساس هزینه واقعی خانوار شهری کشور از ۲۸٫۵ میلیون تومان در سال ۱۳۹۵ به ۳۰٫۵ میلیون تومان در سال اول برنامه افزایش اما با یک روند نزولی به ۲۶٫۴ میلیون تومان در سال ۱۴۰۰ تنزل پیدا کرده است (کاهش حدود دو میلیون تومانی). در خانوارهای روستایی نیز از ۱۵٫۷ میلیون تومان با کاهش حدود دو میلیون تومانی به ۱۳٫۸ میلیون تومان در سال ۱۴۰۰ رسیده است. به

عبارت دیگر قدرت خرید خانوارهای شهری و روستایی در سال‌های مورد بررسی کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته است. با توجه به جدول ۱، در تمامی سال‌های برنامه ششم متوسط هزینه واقعی روستایی از شهری کمتر بوده است.

جدول ۱- متوسط هزینه واقعی خانوارهای شهری و روستایی کشور به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵ - میلیون تومان

شرح	۱۳۹۵ (سال مبنا)	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	متوسط برنامه ششم (۱۳۹۶-۱۴۰۰)
شهری	۲۸,۵	۳۰,۵	۲۸,۷	۲۵,۸	۲۴,۸	۲۶,۴	۲۷,۳
روستایی	۱۵,۷	۱۶,۴	۱۵,۴	۱۳,۶	۱۲,۹	۱۳,۸	۱۴,۵

ماخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات محقق

۵-۲. شاخص‌های نابرابری

در جدول ۲ ضریب جینی بر اساس هزینه‌های ناخالص شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ کشور نشان داده شده است. همانگونه که در جدول نیز مشاهده می‌شود ضریب جینی در طی دوره دارای نوسان بوده است. بر اساس محاسبات انجام شده ضریب جینی مناطق شهری کشور از رقم ۰,۳۷۳۰ در سال ۱۳۹۵ به ۰,۳۹۴۰ در سال ۱۳۹۷ افزایش ولی مجدداً به ۰,۳۷۵۷ در سال ۱۴۰۰ کاهش می‌یابد. در همین دوره نیز ضریب جینی روستایی از رقم ۰,۳۳۶۲ در سال ۱۳۹۵ به ۰,۳۵۹۴ در سال ۱۴۰۰ افزایش پیدا کرده است. نکته مهم اینکه هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی طی دوره مورد بررسی ضریب جینی روند افزایشی داشته است که حاکی از بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد است.

جدول ۲- ضریب جینی در خانوارهای شهری و روستایی کشور

شرح	۱۳۹۵ (سال مبنا)	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	متوسط برنامه ششم (۱۳۹۶-۱۴۰۰)
شهری	۰,۳۷۳۰	۰,۳۷۹۳	۰,۳۹۴۰	۰,۳۸۲۸	۰,۳۸۳۵	۰,۳۷۵۷	۰,۳۸۲۵۲
روستایی	۰,۳۳۶۲	۰,۳۵۵۹	۰,۳۵۹۵	۰,۳۵۳۹	۰,۳۵۹۰	۰,۳۵۹۴	۰,۳۵۲۹

ماخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات محقق

جدول ۳ و ۴ سایر شاخص‌های توزیع درآمد خانوارهای شهری و روستایی کشور را نشان می‌دهد. بر این اساس نسبت ده، بیست و چهل درصد پردرآمدترین به ده، بیست و چهل درصد کم درآمدترین جمعیت هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی در طول برنامه ششم افزایش یافته‌اند که به معنی بدتر شدن توزیع درآمد در این مناطق می‌باشد.

شاخص پالما نسبت هزینه ده درصد پردرآمدترین جمعیت به هزینه چهل درصد کم درآمدترین جمعیت است. این شاخص نیز روند افزایشی داشته است به طوری که در سال ۱۴۰۰ در مناطق شهری به ۱,۷۰ و در مناطق روستایی به ۱,۵۷ رسیده است. به عبارت دیگر در سال ۱۴۰۰ هزینه دهک دهم (پردرآمدترین دهک) در مناطق شهری حدود ۱,۷ برابر و در مناطق روستایی حدود ۱,۶ برابر مجموع هزینه چهار دهک پایین (کم درآمدترین دهک) است.

شاخص تایل بر مفهوم آنتروپی استوار است و آنتروپی به مفهوم اطلاع انتظاری توزیع است. این شاخص نیز مانند ضریب جینی هر چه به صفر نزدیک تر باشد نشان دهنده برابری بیشتر است. با توجه به دو جدول ۳ و ۴ مقادیر این شاخص نیز بیانگر بدتر شدن توزیع درآمد طی این سال ها می باشد. شاخص اتکینسون نیز بر مفهوم میزان اجتناب از نابرابری استوار است. اتکینسون به رابطه بین کارایی و نابرابری توجه می کند و معتقد است شاخص نابرابری باید به نحوی طراحی شود که به کمک آن بتوان تشخیص داد که جامعه برای کاهش نابرابری به یک میزان معین حاضر است چه مقدار از درآمد و تولید جاری چشم پوشی نماید. این شاخص نیز مانند تایل و جینی هر چه به صفر نزدیکتر باشد نشان دهنده برابری بیشتر است. این شاخص نیز طی دوره مورد بررسی افزایش و به معنی بدتر شدن توزیع درآمد می باشد.

جدول ۳- سایر شاخص های توزیع درآمد خانوارهای شهری کشور

سال	نسبت هزینه ده درصد پردرآمدترین به ده درصد کم درآمدترین جمعیت	نسبت هزینه بیست درصد پردرآمدترین به بیست درصد کم درآمدترین جمعیت	نسبت هزینه چهل درصد پردرآمدترین به چهل درصد کم درآمدترین جمعیت	شاخص پالما	شاخص تایل	شاخص اتکینسون
۱۳۹۵	۱۱,۱۲	۶,۷۷	۳,۸۰	۱,۶۹	۰,۲۳۶۳	۰,۲۰۵۷
۱۳۹۶	۱۱,۵۵	۷,۰۴	۳,۹۱	۱,۷۴	۰,۲۴۳۸	۰,۲۱۲۵
۱۳۹۷	۱۲,۴۴	۷,۴۷	۴,۱۲	۱,۸۹	۰,۲۶۵۷	۰,۲۲۷۳
۱۳۹۸	۱۱,۸۱	۷,۱۱	۳,۹۴	۱,۷۹	۰,۲۵۰۳	۰,۲۱۵۹
۱۳۹۹	۱۲,۰۲	۷,۲۴	۳,۹۹	۱,۷۸	۰,۲۴۹۲	۰,۲۱۷۵
۱۴۰۰	۱۱,۵۴	۷,۰۲	۳,۹۱	۱,۷۰	۰,۲۳۶۴	۰,۲۱۰۰

ماخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات محقق

جدول ۴- سایر شاخص های توزیع درآمد خانوارهای روستایی کشور

سال	نسبت هزینه ده درصد پردرآمدترین به ده درصد کم درآمدترین جمعیت	نسبت هزینه بیست درصد پردرآمدترین به بیست درصد کم درآمدترین جمعیت	نسبت هزینه چهل درصد پردرآمدترین به چهل درصد کم درآمدترین جمعیت	شاخص پالما	شاخص تایل	شاخص اتکینسون
۱۳۹۵	۹,۲۵	۵,۷۸	۳,۳۴	۱,۳۸	۰,۱۸۷۱	۰,۱۷۱۲
۱۳۹۶	۱۰,۲۵	۶,۳۷	۳,۲۸	۱,۵۴	۰,۲۱۲۶	۰,۱۸۹۹
۱۳۹۷	۱۰,۶۸	۶,۴۷	۳,۶۳	۱,۵۷	۰,۲۱۷۴	۰,۱۹۳۸
۱۳۹۸	۱۰,۰۴	۶,۲۳	۳,۵۶	۱,۵۳	۰,۲۱۰۳	۰,۱۸۷۳
۱۳۹۹	۱۰,۵۴	۶,۴۵	۳,۶۳	۱,۵۶	۰,۲۱۶۱	۰,۱۹۳۰
۱۴۰۰	۱۰,۷۶	۶,۵۲	۳,۶۴	۱,۵۷	۰,۲۱۶۴	۰,۱۹۴۲

ماخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات محقق

جدول ۵ ضریب جینی مناطق شهری و روستایی استان های کشور را گزارش می کند. به طور متوسط در طول پنج سال برنامه ششم (۱۳۹۶-۱۴۰۰) در مناطق شهری استان های قزوین، مرکزی و کهگیلویه و بویراحمد کمترین ضریب جینی و استان های گلستان، تهران و سیستان و بلوچستان بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده اند. در مناطق روستایی نیز به ترتیب استان های کردستان، خوزستان و کرمان کمترین مقدار و استان های همدان، گلستان و هرمزگان بیشترین مقدار را داشته اند.

جدول ۵- ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی به تفکیک استان

استان	مناطق شهری						مناطق روستایی					
	۱۳۹۵ (سال مبنا)		۱۴۰۰		متوسط برنامه ششم (۱۳۹۶-۱۴۰۰)		۱۳۹۵ (سال مبنا)		۱۴۰۰		متوسط برنامه ششم (۱۳۹۶-۱۴۰۰)	
	ع.ع.	ع.ع.	ع.ع.	ع.ع.	ع.ع.	ع.ع.	ع.ع.	ع.ع.	ع.ع.	ع.ع.	ع.ع.	
کل کشور	۰,۲۷۳	۰,۲۷۶	۰,۲۷۳	۰,۲۷۶	۰,۲۸۳	۰,۲۸۳	۰,۲۷۳	۰,۲۷۶	۰,۲۷۳	۰,۲۷۶	۰,۲۷۳	
آذ. شرقی	۰,۳۴۱	۰,۳۷۵	۰,۳۴۱	۰,۳۷۵	۰,۳۶۴	۰,۳۶۴	۰,۳۴۱	۰,۳۷۵	۰,۳۴۱	۰,۳۷۵	۰,۳۴۱	
آذ. غربی	۰,۲۷۳	۰,۳۶۵	۰,۲۷۳	۰,۳۶۵	۰,۳۳۶	۰,۳۳۶	۰,۲۷۳	۰,۳۶۵	۰,۲۷۳	۰,۳۶۵	۰,۲۷۳	
اردبیل	۰,۲۶۸	۰,۳۳۵	۰,۲۶۸	۰,۳۳۵	۰,۳۱۴	۰,۳۱۴	۰,۲۶۸	۰,۳۳۵	۰,۲۶۸	۰,۳۳۵	۰,۲۶۸	
اصفهان	۰,۳۳۶	۰,۲۹۱	۰,۳۳۶	۰,۲۹۱	۰,۳۲۱	۰,۳۲۱	۰,۳۳۶	۰,۲۹۱	۰,۳۳۶	۰,۲۹۱	۰,۳۳۶	
البرز	۰,۳۱۹	۰,۳۰۳	۰,۳۱۹	۰,۳۰۳	۰,۳۰۹	۰,۳۰۹	۰,۳۱۹	۰,۳۰۳	۰,۳۱۹	۰,۳۰۳	۰,۳۱۹	
ایلام	۰,۴۰۰	۰,۲۹۹	۰,۴۰۰	۰,۲۹۹	۰,۳۲۰	۰,۳۲۰	۰,۴۰۰	۰,۲۹۹	۰,۴۰۰	۰,۲۹۹	۰,۴۰۰	
بوشهر	۰,۳۳۸	۰,۲۹۳	۰,۳۳۸	۰,۲۹۳	۰,۳۰۷	۰,۳۰۷	۰,۳۳۸	۰,۲۹۳	۰,۳۳۸	۰,۲۹۳	۰,۳۳۸	
تهران	۰,۳۷۶	۰,۳۶۲	۰,۳۷۶	۰,۳۶۲	۰,۳۸۸	۰,۳۸۸	۰,۳۷۶	۰,۳۶۲	۰,۳۷۶	۰,۳۶۲	۰,۳۷۶	
چ و بختیاری	۰,۳۰۰	۰,۳۱۸	۰,۳۰۰	۰,۳۱۸	۰,۳۱۷	۰,۳۱۷	۰,۳۰۰	۰,۳۱۸	۰,۳۰۰	۰,۳۱۸	۰,۳۰۰	
خ. جنوبی	۰,۲۸۵	۰,۳۴۸	۰,۲۸۵	۰,۳۴۸	۰,۳۲۸	۰,۳۲۸	۰,۲۸۵	۰,۳۴۸	۰,۲۸۵	۰,۳۴۸	۰,۲۸۵	
خ. رضوی	۰,۳۳۰	۰,۳۴۵	۰,۳۳۰	۰,۳۴۵	۰,۳۵۱	۰,۳۵۱	۰,۳۳۰	۰,۳۴۵	۰,۳۳۰	۰,۳۴۵	۰,۳۳۰	
خ. شمالی	۰,۳۲۵	۰,۳۴۲	۰,۳۲۵	۰,۳۴۲	۰,۳۴۶	۰,۳۴۶	۰,۳۲۵	۰,۳۴۲	۰,۳۲۵	۰,۳۴۲	۰,۳۲۵	
خوزستان	۰,۳۷۹	۰,۳۵۴	۰,۳۷۹	۰,۳۵۴	۰,۳۵۷	۰,۳۵۷	۰,۳۷۹	۰,۳۵۴	۰,۳۷۹	۰,۳۵۴	۰,۳۷۹	
زنجان	۰,۲۷۸	۰,۳۴۶	۰,۲۷۸	۰,۳۴۶	۰,۳۲۴	۰,۳۲۴	۰,۲۷۸	۰,۳۴۶	۰,۲۷۸	۰,۳۴۶	۰,۲۷۸	
سمنان	۰,۲۹۰	۰,۳۰۸	۰,۲۹۰	۰,۳۰۸	۰,۳۰۷	۰,۳۰۷	۰,۲۹۰	۰,۳۰۸	۰,۲۹۰	۰,۳۰۸	۰,۲۹۰	
س و بلوچستان	۰,۴۰۴	۰,۴۹۳	۰,۴۰۴	۰,۴۹۳	۰,۴۵۳	۰,۴۵۳	۰,۴۰۴	۰,۴۹۳	۰,۴۰۴	۰,۴۹۳	۰,۴۰۴	
فارس	۰,۳۲۱	۰,۳۳۸	۰,۳۲۱	۰,۳۳۸	۰,۳۲۸	۰,۳۲۸	۰,۳۲۱	۰,۳۳۸	۰,۳۲۱	۰,۳۳۸	۰,۳۲۱	
قزوین	۰,۲۹۶	۰,۲۸۳	۰,۲۹۶	۰,۲۸۳	۰,۲۷۷	۰,۲۷۷	۰,۲۹۶	۰,۲۸۳	۰,۲۹۶	۰,۲۸۳	۰,۲۹۶	
قم	۰,۳۱۶	۰,۳۲۶	۰,۳۱۶	۰,۳۲۶	۰,۳۳۳	۰,۳۳۳	۰,۳۱۶	۰,۳۲۶	۰,۳۱۶	۰,۳۲۶	۰,۳۱۶	
کردستان	۰,۲۶۳	۰,۳۳۴	۰,۲۶۳	۰,۳۳۴	۰,۳۰۶	۰,۳۰۶	۰,۲۶۳	۰,۳۳۴	۰,۲۶۳	۰,۳۳۴	۰,۲۶۳	
کرمان	۰,۳۱۱	۰,۲۷۳	۰,۳۱۱	۰,۲۷۳	۰,۳۱۰	۰,۳۱۰	۰,۳۱۱	۰,۲۷۳	۰,۳۱۱	۰,۲۷۳	۰,۳۱۱	
کرمانشاه	۰,۲۸۱	۰,۳۰۰	۰,۲۸۱	۰,۳۰۰	۰,۳۱۰	۰,۳۱۰	۰,۲۸۱	۰,۳۰۰	۰,۲۸۱	۰,۳۰۰	۰,۲۸۱	
ک و بویراحمد	۰,۲۴۴	۰,۳۱۳	۰,۲۴۴	۰,۳۱۳	۰,۲۹۴	۰,۲۹۴	۰,۲۴۴	۰,۳۱۳	۰,۲۴۴	۰,۳۱۳	۰,۲۴۴	
گلستان	۰,۳۸۹	۰,۴۰۲	۰,۳۸۹	۰,۴۰۲	۰,۳۸۱	۰,۳۸۱	۰,۳۸۹	۰,۴۰۲	۰,۳۸۹	۰,۴۰۲	۰,۳۸۹	
گیلان	۰,۳۸۸	۰,۳۱۰	۰,۳۸۸	۰,۳۱۰	۰,۳۲۶	۰,۳۲۶	۰,۳۸۸	۰,۳۱۰	۰,۳۸۸	۰,۳۱۰	۰,۳۸۸	
لرستان	۰,۲۸۵	۰,۲۹۰	۰,۲۸۵	۰,۲۹۰	۰,۳۲۷	۰,۳۲۷	۰,۲۸۵	۰,۲۹۰	۰,۲۸۵	۰,۲۹۰	۰,۲۸۵	
مازندران	۰,۳۰۵	۰,۳۳۹	۰,۳۰۵	۰,۳۳۹	۰,۳۲۵	۰,۳۲۵	۰,۳۰۵	۰,۳۳۹	۰,۳۰۵	۰,۳۳۹	۰,۳۰۵	
مرکزی	۰,۳۱۶	۰,۳۰۵	۰,۳۱۶	۰,۳۰۵	۰,۲۸۴	۰,۲۸۴	۰,۳۱۶	۰,۳۰۵	۰,۳۱۶	۰,۳۰۵	۰,۳۱۶	
هرمزگان	۰,۳۵۰	۰,۳۵۳	۰,۳۵۰	۰,۳۵۳	۰,۳۶۲	۰,۳۶۲	۰,۳۵۰	۰,۳۵۳	۰,۳۵۰	۰,۳۵۳	۰,۳۵۰	
همدان	۰,۳۲۳	۰,۳۴۹	۰,۳۲۳	۰,۳۴۹	۰,۳۰۹	۰,۳۰۹	۰,۳۲۳	۰,۳۴۹	۰,۳۲۳	۰,۳۴۹	۰,۳۲۳	
یزد	۰,۲۷۰	۰,۲۷۷	۰,۲۷۰	۰,۲۷۷	۰,۳۰۶	۰,۳۰۶	۰,۲۷۰	۰,۲۷۷	۰,۲۷۰	۰,۲۷۷	۰,۲۷۰	

ماخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات محقق

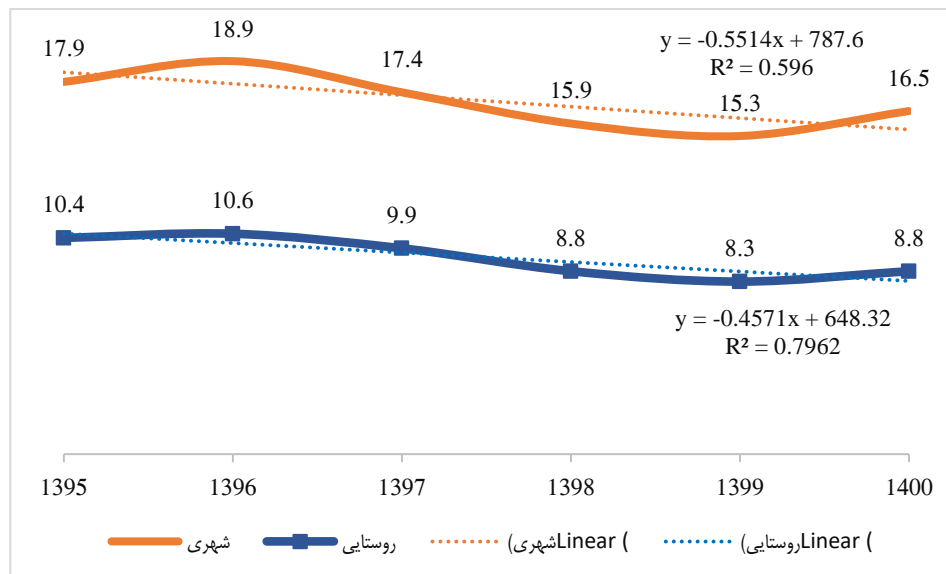
۵-۳. شاخص رفاه اجتماعی سن

در جدول ۶ و نمودار ۲ رفاه اجتماعی بر اساس شاخص سن با استفاده از روابط گفته شده برای مناطق شهری و روستایی کشور محاسبه گردیده است. نتایج این محاسبات بر اساس شاخص ضریب جینی با استفاده از رابطه بیان شده و متوسط هزینه ناخالص (به جای متغیر درآمد) به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵ انجام شد. از آنجا که شاخص رفاه تحت تاثیر دو عامل نابرابری درآمد (ضریب جینی) و متوسط درآمد (هزینه) است، تفاوت شاخص رفاه در مناطق شهری و روستایی کشور ناشی از این دو عامل می باشد. بر این اساس مقدار این شاخص در مناطق شهری از حدود ۱۷,۹ در سال ۱۳۹۵ با یک روند کاهشی به ۱۶,۵ در سال ۱۴۰۰ رسیده است. در مناطق روستایی نیز همین وضعیت تکرار شده است. آنچه در نمودار ۲ قابل تامل است از یک طرف روند نزولی رفاه خانوارها طی چهار سال برنامه ششم و از طرف دیگر تفاوت بسیار زیاد رفاه اجتماعی خانوارهای روستایی از شهری است.

جدول ۶- شاخص رفاه سن در مناطق شهری و روستایی کشور به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵

شرح	۱۳۹۵ (سال مبنا)	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	متوسط برنامه ششم (۱۳۹۶-۱۴۰۰)
شهری	۱۷,۹	۱۸,۹	۱۷,۴	۱۵,۹	۱۵,۳	۱۶,۵	۱۶,۸
روستایی	۱۰,۴	۱۰,۶	۹,۹	۸,۸	۸,۳	۸,۸	۹,۳

ماخذ: محاسبات محقق



نمودار ۲- شاخص رفاه سن در مناطق شهری و روستایی کشور

جدول ۷ شاخص رفاه اجتماعی مناطق شهری و روستایی در استان های کشور را نشان می دهد. بر این اساس مناطق شهری استان های تهران، البرز و مازندران و مناطق روستایی استان های یزد، البرز و مازندران بیشترین رفاه را دارند. بالا بودن هزینه خانوار، مهمترین دلیل بر بالا بودن رفاه اقتصادی در این استان هاست. همچنین استان های سیستان و بلوچستان، کرمان و خراسان جنوبی

در مناطق شهری و سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و خراسان شمالی در مناطق روستایی کمترین رفاه را دارند. همچنین رفاه اجتماعی در مناطق شهری استان‌های اصفهان، خوزستان و لرستان و مناطق روستایی استان‌های خراسان شمالی، خوزستان و لرستان در تمامی سال‌های برنامه ششم روند کاهشی داشته‌اند. نکته قابل‌تامل در خصوص رفاه مناطق شهری و روستایی اینکه پراکندگی این شاخص که می‌تواند به عنوان نابرابری در رفاه شناخته شود در مناطق شهری به مراتب بالاتر از روستایی است. پراکندگی شاخص رفاه اجتماعی نشان می‌دهد که در مناطق شهری با ۱۵ درصد افزایش از ۸٫۶ در سال ۱۳۹۵ به ۹٫۹ در سال ۱۴۰۰ و در مناطق روستایی نیز با ۱۱٫۵ درصد افزایش از ۵٫۲ در سال ۱۳۹۵ به ۵٫۸ در سال ۱۴۰۰ رسیده است. این موضوع بیانگر افزایش نابرابری رفاه در بین استان‌های کشور است.

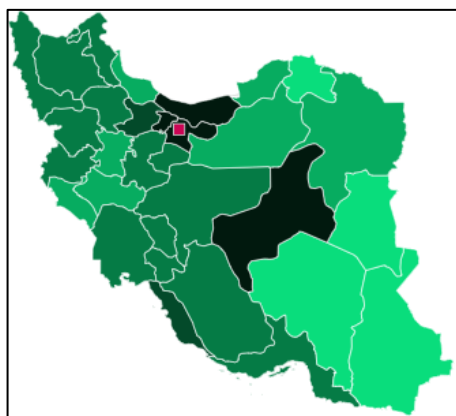
جدول ۷- شاخص رفاه اجتماعی مناطق شهری و روستایی در استان‌های کشور

مناطق روستایی		مناطق شهری										استان
		۱۳۹۵					۱۴۰۰					
		متوسط برنامه ششم (۱۳۹۶-۱۴۰۰)		۱۴۰۰		متوسط برنامه ششم (۱۳۹۶-۱۴۰۰)		۱۴۰۰		۱۳۹۵		
رتبه	متوسط	رتبه	متوسط	رتبه	متوسط	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	
—	۹٫۳	—	۸٫۸	—	۱۰٫۴	—	۱۶٫۸	—	۱۶٫۵	—	۱۷٫۹	کل کشور
۱۵	۹٫۹	۱۹	۹٫۱	۸	۱۲٫۹	۲۴	۱۳٫۴	۲۰	۱۳٫۶	۱۶	۱۶٫۴	آذ. شرقی
۲۰	۹٫۵	۶	۱۰٫۹	۲۰	۱۰٫۳	۲۱	۱۴٫۰	۷	۱۶٫۹	۲۶	۱۳٫۵	آذ. غربی
۱۰	۱۰٫۸	۱۷	۹٫۳	۱۶	۱۱٫۰	۲۲	۱۳٫۹	۲۵	۱۲٫۳	۲۵	۱۵٫۰	اردبیل
۷	۱۱٫۲	۸	۱۰٫۲	۱۰	۱۲٫۵	۶	۱۷٫۱	۱۵	۱۴٫۴	۶	۱۸٫۴	اصفهان
۲	۱۵٫۵	۱	۱۵٫۰	۳	۱۴٫۱	۲	۲۱٫۱	۲	۱۹٫۴	۴	۱۹٫۶	البرز
۲۵	۸٫۷	۲۵	۷٫۸	۲۵	۹٫۲	۲۶	۱۲٫۸	۲۴	۱۲٫۶	۲۰	۱۵٫۷	ایلام
۵	۱۳٫۱	۴	۱۲٫۵	۹	۱۲٫۵	۵	۱۷٫۴	۵	۱۸٫۳	۱۸	۱۶٫۲	بوشهر
۴	۱۳٫۷	۲	۱۴٫۵	۴	۱۴٫۰	۱	۲۴٫۵	۱	۲۴٫۷	۱	۲۵٫۹	تهران
۱۸	۹٫۷	۱۸	۹٫۲	۲	۱۴٫۷	۱۷	۱۵٫۶	۱۸	۱۳٫۸	۲	۲۱٫۳	چ و بختیاری
۳۰	۵٫۸	۲۹	۵٫۶	۲۹	۷٫۶	۲۹	۱۱٫۷	۲۷	۱۱٫۹	۲۷	۱۳٫۲	خ. جنوبی
۲۲	۹٫۲	۱۶	۹٫۴	۱۸	۱۰٫۹	۹	۱۶٫۲	۸	۱۶٫۴	۱۷	۱۶٫۳	خ. رضوی
۲۹	۶٫۸	۳۱	۴٫۹	۲۷	۹٫۰	۲۸	۱۱٫۸	۳۱	۸٫۸	۲۱	۱۵٫۷	خ. شمالی
۹	۱۰٫۹	۱۳	۹٫۶	۵	۱۳٫۵	۱۶	۱۵٫۷	۱۶	۱۳٫۹	۱۱	۱۷٫۳	خوزستان
۱۲	۱۰٫۴	۷	۱۰٫۸	۱۹	۱۰٫۴	۱۳	۱۵٫۸	۱۲	۱۵٫۱	۲۴	۱۵٫۰	زنجان
۲۶	۸٫۵	۲۱	۸٫۳	۲۴	۹٫۶	۲۷	۱۲٫۷	۲۶	۱۲٫۳	۲۹	۱۲٫۹	سمنان
۳۱	۵٫۳	۳۰	۵٫۰	۳۱	۶٫۰	۳۱	۱۰٫۵	۳۰	۱۰٫۳	۳۰	۱۱٫۵	س و بلوچستان
۱۴	۱۰٫۱	۱۲	۹٫۸	۱۲	۱۱٫۸	۴	۱۷٫۸	۴	۱۸٫۵	۵	۱۹٫۲	فارس
۶	۱۱٫۵	۱۱	۹٫۸	۶	۱۳٫۲	۱۵	۱۵٫۷	۱۴	۱۴٫۸	۱۲	۱۷٫۲	قزوین
۱۹	۹٫۶	۱۰	۱۰٫۰	۲۳	۹٫۶	۱۲	۱۵٫۹	۱۰	۱۶٫۱	۱۵	۱۶٫۵	قم
۱۷	۹٫۷	۲۰	۸٫۳	۱۳	۱۱٫۷	۲۰	۱۴٫۲	۱۹	۱۳٫۶	۲۲	۱۵٫۵	کردستان
۲۸	۶٫۹	۲۷	۷٫۶	۳۰	۶٫۵	۳۰	۱۱٫۲	۲۹	۱۰٫۹	۳۱	۱۱٫۲	کرمان
۱۱	۱۰٫۶	۱۵	۹٫۴	۱۱	۱۲٫۴	۱۸	۱۴٫۸	۲۱	۱۳٫۵	۱۳	۱۷٫۰	کرمانشاه

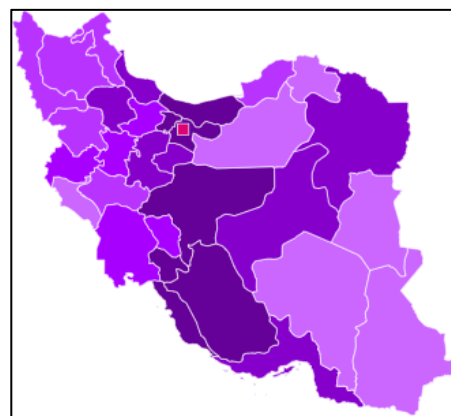
مناطق روستایی						مناطق شهری						استان
متوسط برنامه ششم (۱۳۹۶-۱۴۰۰)		۱۴۰۰		۱۳۹۵ (سال مبنا)		متوسط برنامه ششم (۱۳۹۶-۱۴۰۰)		۱۴۰۰		۱۳۹۵ (سال مبنا)		
رتبه	متوسط	رتبه	متوسط	رتبه	متوسط	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	
۱۶	۹,۸	۲۲	۸,۲	۱۴	۱۱,۲	۷	۱۷,۱	۱۳	۱۴,۹	۷	۱۸,۳	ک و بویراحمد
۲۳	۸,۹	۲۶	۷,۸	۲۸	۸,۸	۲۳	۱۳,۷	۲۳	۱۲,۷	۲۸	۱۳,۰	گلستان
۲۱	۹,۳	۱۴	۹,۵	۱۷	۱۰,۹	۱۱	۱۵,۹	۱۱	۱۵,۲	۹	۱۷,۵	گیلان
۲۷	۸,۳	۲۸	۷,۳	۲۱	۱۰,۰	۲۵	۱۳,۱	۲۸	۱۱,۴	۲۳	۱۵,۲	لرستان
۳	۱۵,۰	۳	۱۴,۵	۱	۱۵,۸	۳	۱۹,۴	۶	۱۸,۱	۳	۲۰,۷	مازندران
۸	۱۱,۱	۵	۱۲,۱	۲۲	۹,۹	۸	۱۶,۶	۳	۱۸,۹	۱۹	۱۵,۷	مرکزی
۱۳	۱۰,۳	۲۴	۸,۱	۲۶	۹,۱	۱۴	۱۵,۸	۱۷	۱۳,۸	۱۴	۱۶,۵	هرمزگان
۲۴	۸,۸	۲۳	۸,۲	۱۵	۱۱,۰	۱۹	۱۴,۶	۲۲	۱۳,۵	۸	۱۸,۰	همدان
۱	۱۵,۶	۹	۱۰,۲	۷	۱۳,۱	۱۰	۱۶,۰	۹	۱۶,۲	۱۰	۱۷,۴	یزد
	۶,۰		۵,۸		۵,۲		۸,۱		۹,۹		۸,۶	واریانس

ماخذ: محاسبات محقق

نمودار ۳ نمایش فضایی شاخص رفاه اجتماعی مناطق شهری و روستایی در استان های کشور را نشان می دهد. به طور کلی می توان گفت که رفاه اجتماعی چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی استان های مرزی، کمتر از میانگین کشور بوده است. از طرف دیگر شاخص رفاه استان هایی که در مرکز کشور قرار دارند بیشتر از میانگین کشور بوده اند.



مناطق روستایی



مناطق شهری

نمودار ۳: نمایش فضایی شاخص رفاه اجتماعی مناطق شهری و روستایی در استان های کشور

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در کشور ما روند توسعه و زیرساخت‌های آن، تفاوت‌های شدیدی را در نواحی جغرافیایی مختلف آشکار کرده است و از آنجایی که اهداف کلی برنامه ریزی منطقه‌ای یا توسعه اقتصادی، توزیع عادلانه رفاه و ثروت در بین مردم جامعه است، برای دستیابی به هدف‌های فوق در هر جامعه‌ای نیاز به شناخت میزان نابرابری درآمد و میزان رفاه اجتماعی ضروری است. بر اساس نتایج تحقیق، ضریب جینی در طول برنامه ششم افزایش یافته است و اهداف برنامه محقق نشده است. همچنین رفاه اجتماعی نیز طی همین دوره کاهش یافته است. از طرف دیگر افزایش نابرابری در رفاه بین مناطق مختلف کشور در طول برنامه ششم از دیگر نتایج تحقیق است به طوری که در برخی از مناطق کشور بخصوص مناطق مرزی و از جمله جنوب شرق کشور به مراتب پایین‌تر از مناطق مرکزی کشور است. به طور کلی بررسی شاخص‌های نابرابری و رفاه در کشور و استان‌ها حاکی از آن است که علی‌رغم درگیری نهادها و سازمان‌های مختلف با این مسئله، این پدیده همچنان یکی از جدی‌ترین معضلات کشور است. در سال‌های اخیر، افزایش هزینه‌های زندگی مردم به دلیل نوسانات اساسی و نرخ تورم بالا و افزایش بیکاری که ناشی از رکود اقتصادی در کشور بوده است باعث بدتر شدن وضعیت معیشت گروه‌های پایین درآمدی شده است. زیرا در این دهک‌ها سهم درآمد ناشی از کار بالاتر از درآمد ناشی از دارایی بوده و با بدتر شدن وضعیت اقتصاد، آثار ناخوشایند اقتصاد در زندگی آنها بیشتر نمود پیدا کرده است که در نتیجه ضریب جینی افزایش و شکاف بین دهک‌های درآمدی مختلف بیشتر شده است.

متأسفانه اقدامات صورت گرفته در راستای بهبود شاخص توسعه انسانی بخصوص در بهداشت و آموزش، کمک‌چندانی به افزایش رفاه نکرده است. از سوی دیگر اقدام دولت در زمینه‌ی پرداخت یارانه‌ای (قانون هدفمندی یارانه‌ها و کمک معیشتی خانوار) نیز اثر معناداری در بهبود توزیع درآمد و افزایش رفاه خانوارهای کشور به‌ویژه فقرا نداشته است. دلیل این امر را می‌توان در عدم شناسایی درست گروه‌های هدف، پرداخت یکسان مبلغ یارانه نقدی به کلیه افراد و نیز کاهش قدرت خرید یارانه‌های پرداختی به‌واسطه تورم‌های قیمتی، جستجو کرد. نتایج دریافتی از طرح‌های آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی نشان می‌دهد سهم درآمد یارانه نقدی از کل درآمد یک خانوار شهری و روستایی به ترتیب کمتر از ۳ و ۶ درصد بوده است. نابرابری در دریافتی‌ها، توزیع نامناسب منابع حاصل از یارانه‌ها، تأثیرپذیری منابع مالی حمایتی دولتی از نوسانات غیرقابل پیش‌بینی قیمت نفت، متعادل نبودن میزان بهره‌مندی اقشار آسیب‌پذیر و محروم جامعه از یارانه‌ها، از جمله مهم‌ترین چالش‌های اساسی این حوزه است که باید مدنظر سیاست‌گذاران قرار گیرد. با توجه به یافته‌های مقاله بسیاری از استان‌های کشور بخصوص استان‌های حاشیه‌ای نسبت به متوسط کشور وضعیت رفاهی مطلوبی ندارند و عدم تعادل منطقه‌ای معناداری بین استان‌ها نیز مشاهده می‌گردد.

عدم توجه به فراگیری رشد اقتصادی به معنای فراهم کردن فرصت‌های برابر برای همگان جهت مشارکت در ایجاد رشد اقتصادی و بهره‌مندی از مواهب رشد، پایین بودن تحرک درآمدی در دهک‌های پایین درآمدی، وجود شاغلین با درآمد پایین، ضعف در مکانیزم‌های نظارت و ارزیابی اثربخشی در طرح‌های حمایتی و اشتغالزایی، نبود برنامه ریزی مرکزی در زمینه فعالیت‌های حمایتی، اشتغالزایی و کاهش فقر، مهاجرت‌های نامناسب و برنامه ریزی نشده درون‌کشوری و برون‌کشوری، نرخ رشد بالای جوانان در سن کار بیکار یا خارج از بازار کار، افزایش ناگهانی و بی‌رویه نرخ ارز و انتظارات تورمی حاصل از آن و عدم توجه به ارتقا سطح اقتصادی و اجتماعی مناطق در افزایش ضریب دسترسی به زیرساخت‌های اساسی و عوامل خارجی به‌ویژه تحریم‌های اقتصادی از جمله دلایل نابرابری و کاهش رفاه در کشور می‌باشد.

- از این رو با توجه به نتایج تحقیق و تجربه کشورهای موفق در زمینه کاهش نابرابری و ارتقای رفاه، ضروری است راهکارهای زیر در دستور کار سیاست‌گذاران و مدیران قرار گیرد:
- ۱- تدوین برنامه جامع کاهش فقر در کشور با مشارکت کلیه دستگاه‌های اجرایی متولی با اولویت مناطق مرزی: هدف از تدوین برنامه جامع کاهش فقر، هماهنگ‌سازی دستگاه‌ها برای رسیدن به اهداف قابل دسترسی از طریق برنامه‌های کارشناسی شده کاهش فقر است. تدوین این سند می‌تواند اهداف مورد اتفاق دستگاه‌ها در مقابله با فقر را مشخص نماید، ارزیابی از سیاست‌های کاهش فقر فراهم نماید، به تخصیص بهینه منابع کمک کند و از همپوشانی فعالیت‌ها جلوگیری به عمل آورد.
 - ۲- تأکید بر اجرای برنامه‌های اشتغالزایی و تولیدمحور در قیاس با سیاست‌های صرفاً بازتوزیعی (مثل یارانه غذا و یارانه نقدی و...): از آنجایی که نیروی کار تنها دارایی اکثر فقراست، افزایش درآمد فقرا از طریق ایجاد اشتغال مولد می‌تواند اصلی‌ترین راه مقابله با فقر باشد. در حال حاضر ترکیبی از نرخ بالای بیکاری و افزایش سهم اشتغال غیررسمی با مزدهای پایین از عوامل مهم بالا رفتن نسبت جمعیت زیر خط فقر در کشور است. به همین جهت شناسایی اجرای برنامه‌های اشتغال‌زا و اعمال سیاست‌های مناسب برای تسریع آهنگ رشد اشتغال از جمله راهکارهای اساسی برای کاهش فقر خواهد بود.
 - ۳- آموزش اقشار آسیب‌پذیر در راستای توانمندسازی، ارتقاء مهارت‌ها و افزایش شانس آن‌ها برای جذب در بازار کار: در کنار آموزش‌های رسمی، مهارت‌آموزی به عنوان سیاستی برای توانمندسازی و خروج از فقر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برنامه‌های مهارت‌آموزی به دنبال ارتقای سطح مهارت بیکاران و افزایش شانس یافتن شغل است. هماهنگی میان ارائه‌کنندگان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و توجه به نیازهای بازار کار در ارائه برنامه‌های مهارت‌آموزی جدید حائز اهمیت است. علاوه بر آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، جوانان جویای کار به مهارت‌های نرم مانند روش‌های ایجاد ارتباط و توان حل مسئله نیازمندند. کسب این مهارت‌ها به توان اشتغال آنان یاری می‌رساند.
 - ۴- توجه به توسعه همه مناطق کشور بخصوص مناطق حاشیه‌ای: از آنجا که در سنجش رفاه بر دو متغیر نابرابری و درآمد (هزینه) تأکید شده است، برای حل مساله عدم تعادل منطقه‌ای می‌توان دو دسته از سیاست‌ها را پیشنهاد نمود. یکی سیاست‌های کوتاه مدت (کاهش نابرابری بین استان‌ها) و دیگری سیاست‌های بلندمدت (افزایش درآمد سرانه) است. در مورد سیاست‌های بلندمدت نیاز به برنامه‌ریزی فضایی و منطقه‌ای الزامی است، لذا جهت متعادل و متوازن ساختن توسعه مناطق مختلف، رویکرد مبتنی بر توسعه همه جانبه بر مبنای قابلیت‌ها، مزیت‌های نسبی، توانمندی‌ها و محدودیت‌های منطقه‌ای ضروری به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر بایستی الگوی توسعه مبتنی بر آمایش سرزمین با استناد بر توازن منطقه‌ای و افزایش استانداردهای رفاهی دنبال شود. در زمینه سیاست‌های کوتاه مدت، دولت می‌تواند با اتخاذ سیاست‌های باز توزیعی مناسب، وضعیت نابرابری در درون استان‌های مختلف را بهبود ببخشد.
 - ۵- حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد برای تسهیل ارتباط میان جوامع محلی و نهادهای اجرایی در برنامه جامع کاهش فقر
 - ۶- پایش مداوم طرح‌های تسهیلات اعطایی اعم از حمایتی و اشتغال در جلوگیری از هدر رفت منابع و کاهش فقر.
 - ۷- توجه به جنبه‌های مختلف فقر از جمله فقر آموزشی، فقر سلامت و فقر زیرساخت.
 - ۸- بهبود محیط کسب و کار برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی.

۷. منابع

- ابراهیمی، سعید، صادقی، سیدکمال، بهشتی، محمدباقر و رضا رنج پور (۱۳۹۶). برآورد شاخص‌های نابرابری شهری و روستایی استان‌های ایران طی برنامه‌های توسعه پنج ساله، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۹(۳۳): ۲۰۰-۱۶۹. doi: 10.22054/qjds.2017.8707
- تودارو، مایکل (۱۳۹۱). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: انتشارات کوهسار
- شهیکی تاش، محمد نبی، یغفوری، حسین و باقر درویشی (۱۳۹۴). بررسی شدت عدم تعادل فضایی و منطقه ای رفاه در استان‌های ایران (مطالعه مقایسه ای رفاه مبتنی بر دیدگاه هاروی و اسمیت)، فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه ریزی منطقه ای، ۱۷، ۱۵-۳۰.
- عربی، مصطفی، مهدی خداپرست مشهدی، (۱۳۹۳). مقایسه معیارهای رفاه اجتماعی، توزیع درآمد و فقر خانوارهای روستایی استان خراسان شمالی و کشور طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۴، راهبردهای توسعه روستایی، ۱(۲)، ۳۵-۵۰. doi: 10.22048/rdsj.2014.6006
- علیزاده، محمد، نعمتی، غلامرضا، فطرس، محمدحسن، خداوردی سامانی، مریم، دینا کبیری، (۱۴۰۱). شناسایی عوامل موثر بر رفاه اجتماعی ایران تحت نا اطمینانی: رویکرد متوسط گیری بیزی، اقتصاد باثبات، ۳(۱)، ۶۱-۹۷. doi: 10.22111/sedj.2022.40421.1156
- فیتزتریچک، تونی (۱۳۸۱). نظریه های رفاه، ترجمه: هرمز همایون پور. تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی و گام نو.
- قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵.
- مرکز آمار ایران، گزارش هزینه-درآمد خانوار سال‌های ۹۵ تا ۹۹.
- مهدویان، سید محمدرضا و مرضیه اسفندیاری (۱۳۹۷). بررسی وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران. راهبرد توسعه، ۵۳(۱۴)، ۷۹-۱۰۰.
- Adebowale, H. A., & Chuks, E. (2020). Welfare implications of information and communication technology diffusion in sub-saharan AFRICA. *Nigerian Journal of Economic and Social Studies*, 62 (3).
- Hewstone, B. & Strobe, W. (2001). *Introduction to social psychology*. Blackwell publishers, Third edition.
- Kakwani, N. & Son, H. H. (2015). *Income inequality and social well-being*. Working Paper Series, ECINEQ WP 380, 1-55.
- Malkina, M. (2017). Assessment of inter-regional convergence in the social welfare based on the a. sen function: Russian case study. *Journal of Economic and Social Development*, 4(1): 50-60.
- Taylor, G. (2007), *Ideology and Welfare*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- World Bank. (2018). World Development Indicators. *World Bank*.